

چکادها

۲-۱

«لِیلی آهی» (ایمن)

صبا صیفی



«برای من ای مهربان، چراغ بیاور!»

غیرممکن است که در کتاب‌فروشی‌های کودک و نوجوان با آن همه کتاب‌های رنگارنگ و متنوع قدم بزنی و سرکی در ادبیات کودک و نوجوان ایران بکشی، کتاب‌های درسی قدیمی را ببینی و نام «شورای کتاب کودک» را بشنوی، اما یادی از بانو لیلی ایمن (آهی) نکنی!

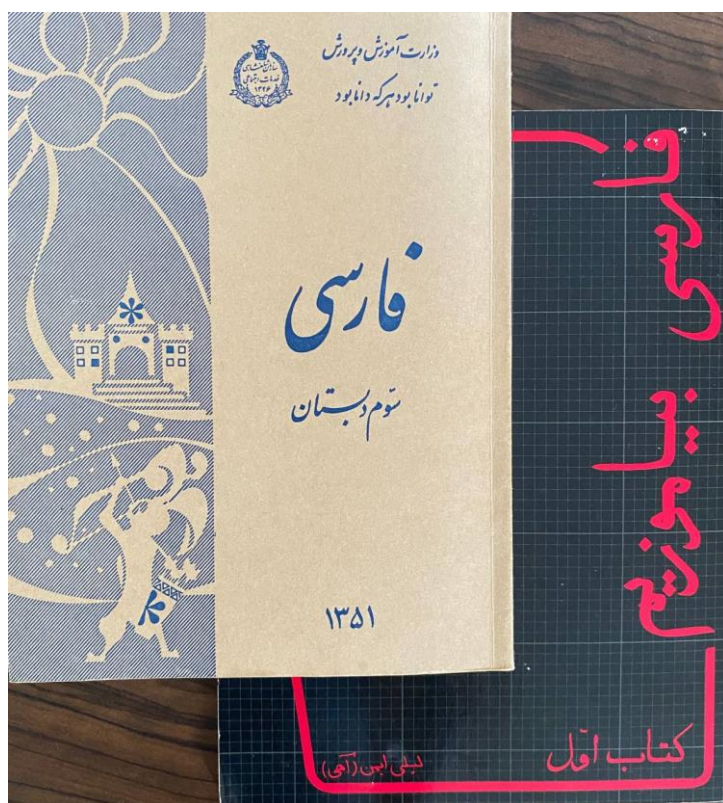
همان دختری که در روز ۲۷ اردی‌بهشت سال ۱۳۰۸ خورشیدی، یعنی اوایل پادشاهی پهلوی در شهر طهران زاده شد و قرار بود نقش مهمی در ارتقاء فرهنگ و ادب ایران داشته باشد، آن هم در زمانی که تعداد افراد باسواد در ایران، بسیار کم بود و به‌ویژه زنان، اوقات‌شان را بیشتر به کارهای خانه و بچه‌داری می‌گذراندند. مادر لیلی، روس و تحصیل‌کرده در رشته‌ی پیانو و اپرا و پدرشان ایرانی از رجال سیاسی و تحصیل‌کرده‌ی دانشگاه مسکو بود.

بنابراین لیلی، کودکی خود را در طهران گذراند اما چون پدرش فرماندار فارس شد، مدتی را هم در شیراز زندگی کرد و دوران دبیرستان را باز به علت شغل پدر در مسکو سپری نمود. در دانشگاه تهران، فلسفه و علوم تربیتی خواند و لیسانس گرفت. سپس برای ادامه تحصیل در رشته روان‌شناسی و تعلیم و تربیت به انگلستان رفت و در آنجا با «ایرج ایمن» ازدواج کرد. لیلی که عاشق وطنش بود و اصلاً درس خوانده بود تا برای سرزمینش و بچه‌های ایران، نقش‌های زیبا بیافریند، پس از پایان تحصیلات به ایران بازگشت.

۲۴-۲۵ ساله بود که تصمیم گرفت برای کودکان، مدرسه‌ی تابستانه تأسیس کند، زمانی که هیچ مدرسه تابستانه‌ای در ایران وجود نداشت و اساساً بچه‌ها به حساب نمی‌آمدند تا چه رسد به اینکه کسی بخواهد

برای‌شان کلاس اضافه بگذارد و برای تعلیم و تربیت‌شان برنامه‌ریزی کند یا شعر و نقاشی و شنا یادشان بدهد!

مدتی بعد، لیلی برای ادامه‌ی تحصیل همسرش به آمریکا رفت ولی از همین فرصت نیز به سود بچه‌های ایران استفاده کرد تا وقتی به ایران برمی‌گردند، دست‌پُر بازگردد. بنابراین مشغول کار در مهدکودک شد اما به گفته‌ی خودش، مَهدهایی را انتخاب کرد که کمترین وسایل و امکانات را داشته باشند تا وقتی به ایران بازمی‌گشت، بتواند از آن تجربیات استفاده کند و عدم وجود ابزار و وسایل پیشرفته، دست و پایش را برای

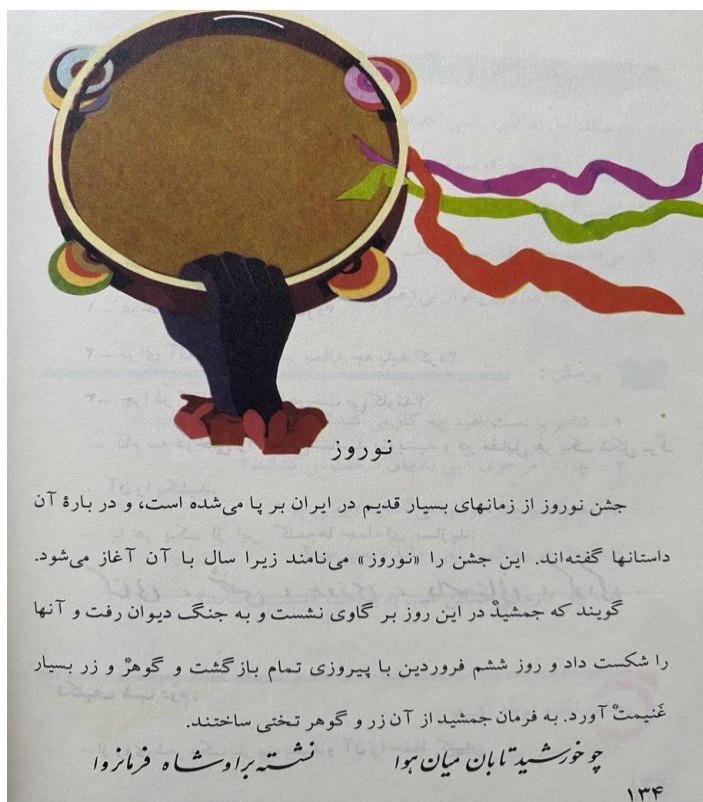


کمک به بچه‌های ایران نبیند. در سال‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۴۱ اتفاقی بسیار مهم در جریان سوادآموزی بچه‌های ایران افتاد، مبنی بر اینکه خانم لیلی ایمن به همراه چند نفر دیگر، انتخاب شدند تا کتاب‌های درسی دبستان را اصلاح کنند و ارتقاء بخشند.

آنها به آمریکا، انگلیس و

فرانسه اعزام شدند تا در زمینه‌ی تهیه‌ی کتب درسی به منظور خواندن و نوشتن زبان مادری، دوره‌های تخصصی بگذرانند. جالب است بدانید که کتاب‌های درسی تا قبل از آن دوره، بسیار بی‌رنگ و رو بود و از این مهم‌تر، بچه‌ها تا کلاس پنجم اصلاً قادر به خواندن متون غیردرسی نبودند.

اما بعد از تدوین کتاب‌های جدید، کودکان در پایان کلاس اول می‌توانستند هر متن غیردرسی‌ای را هم بخوانند. تغییر مهم دیگری که در کتاب‌های جدید رخ داد، این بود که بچه‌ها فقط خواندن و نوشتن یاد نمی‌گرفتند.



محتوایی هم که می‌خواندند بسیار مهم بود. لیلی ایمن در این باره گفته است: «اینکه همراه خواندن و نوشتن، ما چه چیزی را به بچه‌ها می‌آموزیم، بسیار مهم است و می‌تواند باعث تغییر رفتار شود».

بنابراین در کتاب‌های جدید، متونی انتخاب شد که فکر و ذهن بچه‌ها را ترقی دهد و

آنها را با مسئولیت‌های اجتماعی‌شان آشنا کند. زندگی بزرگان ایران و جهان را به آنها بشناساند و آداب و رسوم و فرهنگ و ادیان ملل مختلف را با آنان در میان گذارد.

این تغییر در کتب درسی، اتفاق بسیار مهمی بود تا حدی که به ایشان لقب «مادر کتاب‌های درسی کودکان» را دادند.

اتفاق بسیار جالب دیگر، آن بود که لیلی ایمن را بدون اطلاع خودش، بعنوان نخستین و تنها زن، عضو شورای عالی فرهنگ یا شورای شاهنشاهی آموزش و پرورش کردند. زمانی که اعتراض کرد، وزیر علوم گفت: «شاه، تأیید کرده و دیگر نمی‌توانی انصراف بدهی!»

لیلی هم خطاب به وزیر علوم می‌گوید: «پس من می‌آیم و هرچه دلم می‌خواهد، می‌گویم!» و همین‌طور هم شد! لیلی ایمن در آن جلسات خیلی از دروغ‌هایی که به شاه گفته می‌شد و بسیاری از فسادهای مالی را برملا کرد. خود او در این‌باره گفته: شاه مرتب رو می‌کرد به وزیر علوم و می‌گفت: «راست می‌گوید؟» و آقای وزیر به علامت تأیید، سرش را تکان می‌داد!

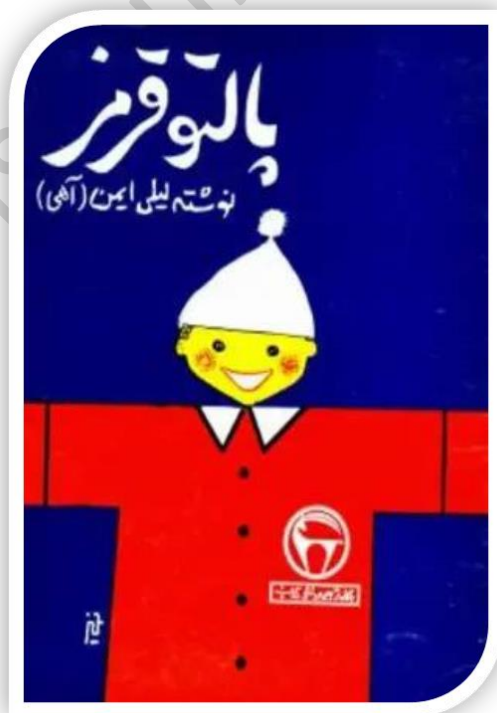
یکی از مهم‌ترین اقدامات لیلی ایمن که در ایران همچنان برپاست و با قدرت به رشد ادبیات کودک در ایران یاری می‌کند، «شورای کتاب کودک» است که به همراهی بانو توران میرهادی، آن را البته خیلی کوچک و جمع و جور، بنیان می‌نهند. (۳ سال قبل از تأسیس کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان)



تیر ۱۳۹۰ (عکاس: صبا صیفی)

لیلی خانم، انگیزه تأسیس شورای کتاب کودک را «نبود کتاب کافی برای بچه‌ها و بی‌کیفیت بودن آنها» می‌دانست و می‌گفت: «دلیل رشد شورای کتاب کودک، نبود وابستگی به هیچ نهاد دولتی و استقلال کاری و فکری آن است».

ایشان همواره درصدد کمک به والدینی بود که مایل بودند زبان، ادبیات و سنت‌های خوب ایرانی را در خانواده‌شان حفظ کنند و این کار را سال‌ها بعد وقتی که مجبور به مهاجرت اجباری از ایران شد، برای بچه‌های مهاجران ادامه داد. بچه‌هایی که به قول ایشان مثل گل‌هایی بودند که از ریشه گنده شده و حالا آمده بودند که در خاک جدیدی رشد کنند. لیلی ایمن می‌گفت: «دلم نمی‌آید بچه‌هایی که خارج از ایران رشد می‌کنند، عشق و علاقه‌شان را به ایران و زیبایی‌های فرهنگ و تمدن ایرانی از دست بدهند.»



بنابراین یکی از کارهایی که در همین راستا انجام داد، گردآوری شعرها و لالایی‌ها و مَثَل‌ها و داستان‌های ایرانی بود.



از دیگر اقدامات ارزشمند لیلی ایمن، همکاری با توران میرهادی در مجله‌ی «سپیده‌ی فردا»، برگزاری نخستین نمایشگاه کتاب کودک، پژوهش بر زبان پایه‌ی فارسی و گردآوری هزار لغت بنیادین آن، برگزاری کتابخانه‌ی سیّار با پشتیبانی شهبانو فرح پهلوی، تأسیس کتابخانه در روستاهای دورافتاده‌ی ایران، کمک به پیشرفت کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، تربیت مربی کودک و راه‌اندازی رشته‌ی کتابداری و ادبیات کودک در دانشگاه‌ها و تألیف ۳۹ اثر برای کودکان و بزرگسالان بود.

پس از انقلاب سال ۱۳۵۷، زمانی که لیلی خانم برای دیدار فرزندانش سبّا، رویا و راما به آمریکا می‌رفت، نمی‌دانست که دیگر قرار نیست به سرزمینی که آن‌همه برای ترقّی و پیشرفت ادبیات، فرهنگ و هنرش از جان و دل مایه گذاشته، بازگردد و مجبور به مهاجرتی اجباری و دائمی

خواهد شد چرا که باور او به دیانت بهائی، می‌توانست خطراتی جدی برای خود و خانواده‌اش در پی داشته باشد.

لیلی خانم پس از ۸۹ سال خدمات خالصانه و ارزشمند، روز ۱۵ شهریورماه ۱۳۹۷ در شیکاگو آمریکا، دارفانی را وداع گفت و به سرای باقی شتافت.



بانو لیلی و همسرشان دکتر ایرج ایمن



تیرماه ۱۳۹۰ (عکاس: صبا صیفی)



خدمت به کودکانِ نیازمندِ جهان در کنار کودکانِ میهن



مرحوم لیلی ایمن (آهی) در میانسالی